تصویر سبع وسطی و کبری

چیزی که میخواهم الآن عرض کنم این تلفیق ها است که جالب است. اگر گفتیم که سبع صغری -بیستویک طریق- داریم، اگر گفتیم سبع کبری -یعنی سبع چهارده روایتی که از هشتاد طریق النشر است- خب این تقسیمبندیای که سیوطی دارند را در آن داخل میکنیم. یعنی خودت میگویی که قرائات متواتر داریم، مشهور داریم، آحاد داریم و شواذ داریم. موضوع هم که هیچ. خب این چهارتا را که داریم. در موضوع، قطع به کذبش داریم اما در بقیه که قطع به کذب ندارید. علی ای حال هم سند دارد که سند ضعیف است. آحاد، سند دارد که سند صحیح است، فقط مشهور نیست. بنابراین میتوانیم به این صورت بگوییم که ما یک سبع صغری داریم، یعنی هفت قاری که از بیستویک طریق مجمع علیه باشند. جلوتر میرویم، ما هفت وسطی داریم؛ چه کسانی هستند؟ همین هفت قاری از طرق النشر که هشتاد طریق بود ثابت میشوند. پس از بیستویک طریق به هشتاد تا میآییم ولی محدود در همین هفت است.

از اینجا به سبع کبری میرویم. سبع کبری چه هستند؟ سبع کبری تقسیمبندی های بعدی هستند. یعنی شواذ السبعهای که ابوطاهر -شاگرد ابن مجاهد- نوشته بود چه بود؟ شواذ السبعه که شیخ در التبیان فرمودند. یعنی در ورا این هشتاد طریق النشر و ورای این چهارده راوی است. عاصم سی شاگرد دارد؛ سی راوی دارد. فقط که حفص و ابن عیاش نبودند. ما طرق صحیحی داریم که به عاصم میرسد. و چه بسا بین آنها مشهور هم هست. در جامع، متواتر بین المسلمین نیست اما سند صحیحی دارد که مشهور بین القراء هم هست. اگر ما بیاییم شواذ السبعه را ورا هشتاد طریق متواتر ابن جزری تدوین کنیم؛ مثل شواذ السبعه ابوطاهر. اینجا میشود سبع کبری. حالا از وسطی به کبری رفتیم.

سبع کبری یعنی چه؟ یعنی همین سبع هستند اما از غیر حفص و ابوبکر است. از طرق دیگر و روایات دیگر. یا حتی از خود حفص و ابوبکر اما غیر از هشتاد طریق. این میشود سبع کبری بعد سبع کبار. یعنی شما باز میروید از همین هفت نفر که مشهور بودند -لایه بعدی چیست؟- اما آحاد نقل میکنید. آحاد چیست؟ یعنی سند صحیح است اما حتی بین قراء هم مشهور نیست. این هم سبع است، همین هفت تا هستند اما سبعی است که ورا آن عشر است و ورا مشهور است، آحاد است.

آخرین لایهای که مقبول است چیست؟ سبع شواذ است. یعنی سندها صحیح نیست اما خلاصه در کتب هست. در کتب هست اما از همین هفت تا است. از عاصم است، از حفص است اما سند صحیح نیست. این تقسیمبندی تلفیقی است که فعلاً من جایی ندیده ام. ولی اگر اینها را کنار هم بگذاری جالب است. در ذهن شریفتان اینها قشنگ باز میشود. یعنی بعداً وقتی حرف ابوشامه و شهدی ثانی را بخوانید -امثال این مطالب را بخوانید- اصلاً به تناقض برخورد نمیکنید. قبلش میگوییم که این سبعه شاذ است پس عاصم روایت شاذ دارد. عاصم که در این شاطبیه شاذ ندارد. همه فقها که صریحاً میگویند چهارده روایت قطعاً متواتر است. اگر میگوییم عاصم شاذ دارد یعنی در لایه هفتم. عاصم مشهور هم دارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 14:35:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 مه 2024 14:38:35 توسط ... .